

## نقد منابع سهل شناسی

(سهل بن عبدالله تستری)

دکتر سید محمد طباطبائی بهبهانی (منصور)

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۴۳ تا ۶۲)

### چکیده:

سهل تستری، به حق، یکی از ارکان تصوّف اسلامی است که در ردیف جنید، شبلی و بایزید بسطامی تأثیر فراوان بر تفکر صوفیانه داشته و کمتر کتاب و رساله عرفانی به فارسی یا عربی دیده می‌شود که وامدار سهل و آراء وی نباشد. از میان معاصرین نیز برخی مستشرقین و محققان، پژوهش‌هایی درباره سهل و آراء وی داشته‌اند که معرفی و نقد آنها و منابع کهن صوفیه در باب سهل می‌تواند علاقمندان را به کار آید.

در این جستار، منابع تحقیق در احوال و آراء سهل، مطبوع و مخطوط، اعم از فارسی، عربی و برخی منابع لاتینی بررسی شده و چکیده آراء هر نویسنده و یا میزان تأثیرپذیری هر کتاب از سهل، ارائه شده؛ رئوس عناوین این مقاله عبارتند از:

- ۱- رسائل صوفیانه ۲- تذکره‌ها یا طبقات رجال صوفیه ۳- تواریخ و کتب جغرافی ۴- تحقیقات پیرامون سهل ۵- مدارک کتابشناسی ۶- اصحاب سهل.

واژه‌های کلیدی: سهل تستری، تصوّف اسلامی، کتابشناسی، مریدان.

مقدمه:

## مختصری از شرح حال سهل:

ابو محمد سهل بن عبدالله بن یونس بن عیسی بن عبدالله بن رفیع تستری، سال ۲۰۰ و به قولی ۲۰۱ هجری قمری در شوشتر (تستر) متولد شد. از سنین خردسالی تحت تربیت و ارشاد دائی مرشد خویش، محمد بن سوار، با عوالم صوفیه آشنا گشت و مبادی تصوف را از او آموخت. از دیگر مشایخ سهل که در مصادر به نام او تصریح شده، حمزه بن حبیب عبّادانی است که مدتی را به دنبال پاسخ سؤالش در عبّادان نزد وی به ریاضت پرداخت، شعرانی نیز در الطبقات الکبری از عارفی به نام «خالد» به عنوان استاد سهل، یاد می‌کند که هویتش معلوم نشد. ذوالنون مصری (فو: ۲۴۵ ه.ق.) را نیز به شهادت اکثر منابع، دریافته و مدتی با او مصاحبت داشته، ولی شاگردی وی نزد ذوالنون به خلاف تصریح برخی منابع، مشکوک است. وی پس از سیر و سلوک و تحمّل ریاضات شاقّه به شوستر برگشت و سالها بدون داعیه ارشاد و تربیت، سکونت گزید تا سال ۲۴۵ ه.ق. که ذوالنون وفات کرد و گویند که علت امتناع سهل از ارشاد در این سالها، نگهداشت حرمت شیخ بوده است. وی از این سال به بعد، در شوشتر، بساط ارشاد گستراند تا اینکه به سبب مخالفت و آزار دشمنان از زادگاهش به بصره کوچید و در آنجا مجدداً به تربیت مستعدان سلوک، همت گماشت. وی جمع کثیری را در شوشتر و بصره پروراند که مهمترین و نامدارترین آنها محمد بن سالم بصری (فو: ۲۹۵ ه.ق.) است که به نقلی شصت سال آخر عمر سهل را دریافت؛ که وی و فرزندش، احمد بن محمد سالم (فو: ۳۵۶ ه.ق.) براساس آراء و نظریات کلامی سهل، مکتب سالمیه را در بصره پایه‌ریزی کردند.

سهل به تاریخ محرم ۲۸۳ یا ۲۷۳ هجری قمری (بنا به اختلاف مصادر) در بصره، وفات یافت و همانجا مدفون گشت که بعدها مدفن وی به یکی از زیارتگاههای بصره، بدل شد؛ چنان که ابن بطوطه در رحله خویش از مزار سهل در مقابر بصره یاد می‌کند.

### معرفی و نقد منابع:

منابع مربوط به سهل در این جستار براساس موضوع به پنج دسته تقسیم شده و عناوینی که ذیل هر موضوع، واقع می‌شود به ترتیب تاریخ تألیف، معرفی و نقدگونه‌ای می‌شوند؛ موضوعات عبارتند از:

- ۱- رسائل صوفیانه؛
- ۲- تذکره‌ها یا طبقات رجال صوفیه؛
- ۳- تواریخ و کتب جغرافی؛
- ۴- تحقیقات پیرامون سهل (اعم از قدیم و معاصر)؛
- ۵- مدارک کتابشناسی،

۱- اللّمع، از ابونصر عبدالله بن علی بن محمد بن یحیی سراج (فو: ۳۷۵ ه.ق.) این کتاب به تصحیح نیکلسون به تاریخ ۱۹۱۴ م. در مطبعه بریل لیدن به چاپ رسیده است. از قدیمی‌ترین متون صوفیه است که بسیار از اقوال سهل و شاگردان وی بهره جسته است و به گفته باورینگ در این کتاب پس از شبلی و جنید بیشترین نقل قول از سهل است و مجموعاً صد بار (تقریباً) از سهل و شاگردان وی سخن گفته است. برخی از اقوال تفسیری سهل را نیز نقل کرده که به عین الفاظ یا به مضمون در تفسیر موجود است. چنانکه سراج در جای جای کتاب تصریح کرده شخصاً با محمد بن احمد بن سالم بصری (فو: ۳۵۶ ه.ق.)، مروج اصلی طریقه سهل، ارتباط داشته و بسیاری از معالم و افادات سهل را به نقل از او آورده است. نظر به قرب زمانی مؤلف با سهل و ارتباط وی با ابن سالم یقیناً آراء سهل با احتمال تحریف کمتری به دست وی رسیده. قابل ذکر، اینکه، سراج، بیشتر به نقل اقوال محققانه سهل، اهتمام ورزیده و کمتر به حکایات و شرح حال نویسی اهتمام داشته و از این لحاظ، اطلاعات چندانی به ما نمی‌دهد. از جمله شاگردان سهل که سراج از او سخن می‌گوید «ابومحمد اسحاق بن احمد» است؛ وی حکایتی از مشارالیه نقل

می‌کند؛ مستلزم اینکه او و استادش هر دو در کیمیاگری دست داشته‌اند. (سراج، ص ۳۲۶) مطلبی که در اللّمع راجع به سهل، آمده و دیگران توجهی بدان نداشته‌اند، ماجرای سفر سهل به ارجان است، سراج به نقل از ابویعقوب نهرجوری گوید که ابویعقوب سوسی و سهل تستری در سفری همزمان در ارجان حضور داشته‌اند و سالکی مسأله‌ای بر آن دو عرضه داشت که به محاوره آن دو بر سر پاسخ به آن مرد ختم شد (همان، ص ۱۹۳).

آنچه در اللّمع، قابل توجه است اینکه اللّمع کمتر از صد سال پس از مرگ سهل، تألیف شده و حضور پررنگ سهل و آراء وی در این کتاب، نشان دهنده میزان تأثیرگذاری سهل بر صوفیه پس از اوست. در تکمله بحث، لازم می‌دانم گوشزد کنم با وجودی که اللّمع از منابع دست اول و موثق برای شناخت قدمای صوفیه به طور اعم و سهل تستری به طور اخص است، باورینگ در نقد این کتاب گوید: نمی‌توان بر ارزش و درستی مطالب آن تأکید کرد. و ما در باب نقد باورینگ، - ان شاء الله - مبسوطاً بدان می‌پردازیم.

## ۲- قوّت القلوب و معاملات المحبوب، اثر ابوطالب محمد بن علی عطیه مکی (فو):

(۳۸۶ه.ق.)

این کتاب، مکرّر به چاپ رسیده ولی اغلب، چاپ‌های بازاری و فاقد فهرس تخصصی و فنی است. مؤلف قوّت القلوب، معروفترین نماینده سالمیه و مستقیماً شاگرد احمد بن سالم بصری (فو: ۳۵۶ه.ش.) است، وی از ابن سالم با وصف «شیخنا» و از سهل تستری با وصف «اماننا» و احیاناً «شیخ شیخنا» یاد می‌کند و بنا به عقیده باورینگ هرگاه سخنی در قوت القلوب با آغاز «قال عالمنا» نقل شده، مقصود، سهل تستری است. با توجه به میزان تأثیر سالمیه از آراء و تعالیم سهل و موقعیت خاص ابوطالب در سالمیه و نیز حضور پررنگ تستری در قوّت القلوب تا بدانجا که حدود دویست بار از سهل و آراء وی در این کتاب، یاد شده و از کتاب

قوّت القلوب، منبعی معتبر و موثق ساخته است؛ افزون بر اینکه قوّت القلوب، حاصل سال‌های پختگی و نیمهٔ دوم عمر مکی است.

### ۳- علم القلوب؛

اثر دیگر ابوطالب مکی است. وی این کتاب را بعد از قوّت القلوب تألیف کرده، زیرا در آن از قوّت القلوب خود یاد می‌کند. بخش عمده‌ای از این کتاب، دارای مفاهیمی رمزآلود و در بیان شوق و وجد صوفیانه و فراست عارفانه است که در قوّت القلوب نیز نظایر آن بیان شده است. این کتاب، مشتمل بر دو بخش است؛ بخش اول از صفحهٔ ۴ تا ۱۴۴ مشتمل بر آراء عرفا دربارهٔ حکمت، علم و توحید که اغلب مباحث آن با آیات قرآن شروع می‌شود و بخش دوم از صفحهٔ ۱۴۴ تا ۲۹۰ به بحث در بارهٔ اخلاص، نیت مؤمن و اعمال اختصاص دارد و حاوی مواعظ بسیار است. بهره‌زیادی از مواعظ و اقوال سهل در علم القلوب نقل شده که در بخش اول، اغلب حول دو محور است: ۱- علم و علماء ۲- مبعث رسول الله و ماهیت آن. مؤلف هنگامی که به بحث دربارهٔ علم و علماء می‌پردازد، بخش مهمی از اقوال تفسیری سهل را در باب حقیقت، نقل کرده که می‌تواند متمم اقوال سهل در تفسیر باشد.

متأسفانه نسخه‌ای از این کتاب نیافتم و آنچه ذیل این عنوان آمد اقتباس و ترجمه‌ای بود از گفتار باورلینگ در کتاب نگرش عارفانه...

### ۴- عطف الالف المألوف علی اللام المعطوف؛

اثر ابوالحسن علی بن محمد دیلمی (قرن چهارم) که گویا معاصر ابوطالب مکی (ف: ۳۸۶ ه.ق.) بوده و بنابه قول آقای سید مجتبی شهبواری، این کتاب در برخی نسخ موجود در ترکیه به شمس‌الدین محمد بن عبدالملک دیلمی، مؤلف تفسیر فتوح الرحمن فی اشارات القرآن می‌باشد (حاجی خلیفه، ۱۲۴۰/۲) منسوب است. این

کتاب به سال ۱۹۶۲ م. به تحقیق «ج - ک - وادیه، در چاپخانه المعهد العلمی الفرنسي» واقع در قاهره به چاپ رسیده است. مؤلف وی چنانکه از همین متن، فهمیده می‌شود، شاگرد ابن خفیف شیرازی (ف: ۳۷۱ ه.ق.) بوده و از ابوالحسن بن بکران بن فضل، روایت می‌کند که این شیخ، خود از ابوشجاع محمد بن سعدان مقاریضی روایت می‌کند. این کتاب در باب محبت و تحقیق در عشق، تألیف شده و آراء فضلا و حکماء و اشارات اهل عرفان در باب عشق را در آن گردآوری و غوامض اقوال را خود تحت تأثیر عنوان «قال صاحب الكتاب» شرح کرده است.

وی در باب چهارم کتاب که اقوال متکلمین در باب محبت را بررسی می‌کند، نظر سهل در این موضوع را نقل کرده و این خود، نشانگر چهره کلامی سهل و شهرت وی بدان است. خلاصه کلام سهل این است که: خدای را سه نور است؛ اول: نور محمد (ص)؛ دوم: نور آدم و سوم: ذریت آدم که دو نور اخیر از نور محمد (ص) آفریده شده. مؤلف در پایان می‌گوید: لازمه این قول، آن است که محبت هر محبتی، ناشی از معدن وجود بعد از حق باشد که قلب پاک رسول خدا (ص) است و قول سهل در تفسیر آیه کریمه: «لا اله الا الله الذی امننت به بنو اسرائیل» را شاهد نظر خود می‌داند و اضافه می‌کند که ایمان فرعون در نفس آخر بدان سبب، سود نداشت که از معدن قلب موسی اخذ شده بود. مطلب دیگری که راجع به سهل آمده نسبت دادن قول «لا اله الا الله» به جسد سهل است.

##### ۵- سیره ابن الخفیف؛

از دیگر تصانیف همین ابوالحسن دیلمی کتاب سیره ابن الخفیف است که آن را درباره مشایخ طریقت به ویژه استاد خویش، ابوعبدالله محمد بن خفیف شیرازی (ف: ۳۷۱ ه.ق.) تألیف کرده. این ابن خفیف، سراج و ابو نعیم را مریدان خود خواند و با احمد بن سالم مخالفت کرد و کتابی در ردّ سالمیه به نام «الرد علی بن سالم» نگاشت. تصویری که دیلمی از سهل در این کتاب ارائه داده، نشان از ارتباط سهل و

صوفیان فارس می دهد. متأسفانه به نسخه ای از این کتاب دست نیافتم و به ناچار از مقاله باورینگ استفاده شد. شایان ذکر، اینکه، آقای محمد دهقانی در مقاله خود، نام این کتاب را به صورت «صراط ابن خفیف» ضبط کرده است.

۶- **التعرّف لمذهب اهل التّصوّف**، اثر ابوبکر محمد کلابادی (ف: ۳۸۰ ه.ق.)  
کلابادی در باب دوم کتاب تحت عنوان «رجال الصّوفیّه» از سهل در شمار قدمای صوفیه نام می برد و تقریباً سی مورد از اقوال سهل را نقل کرده، برخی به نقل از ابن سالم و مزین، ولی مطلب چندانی در باب شرح حال سهل یا اصحاب او ندارد. جملاتی را از سهل نقل کرده که شبیه آن را نیز از جنید نقل کرده است. برخی از اقوال سهل در التعرّف را می توان در اللّمع و حلیة الاولیاء یافت، ولی اقوالی نیز در آن هست که در دیگر منابع قابل دسترسی، رؤیت نشد. در یک مورد نیز قول سهل در باب تجلی را مبسوطاً شرح و بسط داده است. (ص ۱۲۱)  
از مطالب قابل ذکر، اینکه قول معروف امیرالمؤمنین (ع) «لو کُشِفَ الغِطاء ما ازددت یقیناً» در این کتاب به سهل تستری نسبت داده شده (ص ۱۰۳) و طرفه اینکه همین کلام در تهذیب الاسرار خرگوشی (ص ۹۱) به عامر بن قیس منسوب شده است.

۷- **تهذیب الاسرار فی طبقات الاخیار**، از عبدالملک بن محمد بن ابراهیم خرگوشی نیشابوری (ف: ۴۰۷ ه.ق.)

باورینگ در فهرستی که از منابع مربوط به سهل ارائه کرده، چون به نسخه این کتاب، دسترسی نداشته، فقط از قول آربری که نسخه کتاب را دیده گوید: این کتاب، شامل اطلاعات جالبی درباره سهل است. این کتاب در شیوه تألیف از اللّمع سراج، الگو گرفته است و آنچه از نسخه های آن می شناسیم فقط دو نسخه کامل و یک منتخب از آن است که یکی از دو نسخه مذکور، مورخ ۸۴۸ هجری قمری به شماره ۲۸۱۹ در کتابخانه برلین موجود است (فهرست برلین ۳ / ۶ و ۷) و نسخه دیگر،

متعلق به «المکتبه الوطنیه» واقع در مجتمع فرهنگی ابوظبئی است که نسخه‌ای است کهن مورخ ۲۲ ربیع الاول ۶۰۸ هجری قمری. منتخبی از تهذیب الاسرار درباره فرق بین ملامتیه و صوفیه به شماره ۲۸۲۰ نیز در کتابخانه برلین موجود است. اخیراً بسام بن محمد بارود به سال ۱۴۱۸ قمری فقط براساس نسخه ابوظبئی کتاب را به چاپ رسانده است؛ که البته به دلیل عدم دسترسی به نسخه برلین، نواقص نسخه ابوظبئی و عدم آشنایی لازم با زبان فارسی و نفهمیدن برخی کلمات و مصطلحات فارسی مستعمل در تهذیب الاسرار، خالی از اغلاط فاحش نیست ولی چاپ این کتاب ارجمند، به هر حال، خدمتی است در خور تقدیر.

خرگوشی مجموعاً ۹۸ بار به مناسبت ذکر اقوال یا حکایات و کرامات از سهل یاد کرده است که شمار قابل توجهی از اقوال را می‌توان در اللّمع سراج و نیز در حلیة الاولیاء دید و بخشی از اقوال را به ذکر سند و به واسطه از شاگردان سهل نقل می‌کند که قابل توجه است. اقوال دقیق سهل در باب توبه در میان دیگر اقوال منقول، تمایز بیشتری دارد. از لابلای اقوال منقول از سهل به نام سه تن از اصحاب وی دست می‌یابیم که از آنها با وصف «صاحب سهل» یاد کرده:

۱- ابوعلی اصفهانی ۲- ابو محمد السفرین الحسن ۳- عمر بن واصل عنبری.  
حکایتی از سهل در تهذیب الاسرار آمده، مبنی بر وجود افعی در کنار سهل و حیرت مرید از دیدن این واقعه؛ که استاد دکتر شفیع در هامش نسخه چنین مرقوم فرموده‌اند: «شبهه بوسعید و اژدها و مرید» و این تعلیقه، صریح در انتساب شبیه همین داستان به بوسعید ابوالخیر است. ظن نگارنده بر این بود که در مقامات بوسعید (اسرار التوحید) که حضرتشان تصحیح و تحشیه فرموده‌اند باشد، مختصر جستجویی کردم، نیافتم.

مطلب دیگر اینکه شاید قدیم‌ترین منبع که دانستن شفای یعقوب لیث به دست سهل را نقل کرده، همین تهذیب الاسرار (ص ۳۶۸) باشد و بعید نیست که ابونعیم نیز در حلیة الاولیاء (۱۰ / ۲۱۰) این داستان را از تهذیب گرفته باشد. قابل توجه، اینکه

مصحح در تصحیح متن داستان، دچار خطائی فاحش شده که بدان اشاره می‌رود: در متن عربی داستان آمده که «فأمر يعقوب باحضاره [سهل] من العمارة فأحضر» جالب اینکه مصحح محترم در توضیح لغت «العمارة» به نقل از قاموس آورده است که: «العمارة قرية باليمامة» یعنی يعقوب امر کرد که سهل را از عمارة یمن احضار کنند تا به شوشتر بیاید. ایشان هیچ توجّهی به صحنه داستان که صفحات شوشتر است ندارد و اینکه سهل پس از مداوای يعقوب برخاست و به شوشتر بازگشت نیز مورد توجهش قرار نگرفته؛ علاوه بر اینکه هیچ بنی بشری تاکنون نگفته که سهل به یمن رفته باشد. حلّ این مشکل در فهمیدن معنای «العمارة» و به دست آوردن ضبط صحیح کلمه «من» در «من العمارة» است. این جمله در حلیة الاولیاء (۲۱۰/۱۰) چنین آمده: «فأمر باحضاره فی العماریات فأحضر» که بدین صورت مشکل جمله کاملاً برطرف می‌شود؛ یعنی «من» تصحیف «فی» بوده که مصحح را به اشتباه انداخته و عماریه هم مفرد عماریات است به معنی «هودج» و «کجاوه» که بدین صورت هیچ ابهامی در کلام، باقی نمی‌ماند.

۸- بهجة الاسرار، از علی بن عبدالله بن جهضم همدانی (ف: ۴۱۴ ه.ق.).  
ذهبی در سیر اعلام النبلاء (۱۷/ ۲۷۵) از او به عنوان «شیخ الصوفیه بالحرم» یاد کرده و باورینگ بدون اشاره به محل نگهداری نسخه آن گوید: فقط بخشی از کتاب در دست است که متضمّن برخی اشارات سودمند به سهل و شاگردان او است چنان که از مصارع العشاق (۱/ ۱۹۷) بر می‌آید ابن جهضم، احمد بن محمد بن سالم (ف: ۳۵۶ ه.ق.) را درک کرده و از او سماع حدیث و اجازه روایت داشته. بخشی از مطالب بهجة الاسرار درباره سهل را می‌توان در حلیة الاولیاء، مصارع العشاق، مناقب الابرار ابن خمیس موصلی (ف: ۵۵۲ ه.ق.) و تلبیس ابلیس یافت. نسخه‌ای از این کتاب در ظاهریه دمشق موجود است (مجموعه ۴/۶۶) و شاید همان باشد که باورینگ بدان اشاره می‌کند.

شایان ذکر اینکه ابن حجر عسقلانی در لسان المیزان (۲۳۸/۴) بر عجائب قصص موجود در بهجة الاسرار، ایراد گرفته، گوید: شکی در نادرستی اقوال وی نیست. در سیر اعلام النبلاء نیز او را غیر ثقه و کاذب دانسته است (۱۷/ ۲۷۵ و ۲۷۶). در مصارع العشاق، داستانی مبنی بر مکالمه خرس و سهل از ابن جهضم نقل شده که ظاهراً از همین کتاب گرفته است.

#### ۹- نور المریدین و فضحیة المدعین = شرح التعرف از اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی (فو: ۴۳۴ه.ق.)

کهن ترین متن صوفیانه به زبان فارسی است که به دست ما رسیده. این کتاب به خوبی نشان دهنده تأثیر سهل و صوفیه ۱۵۰ سال بعد از خود او است که چگونه برای شرح و فهم دقایق سخن وی می کوشیده اند؛ اطلاعات نو و جالبی درباره سهل و کرامات وی دارد. مجموعاً ۳۱ بار در کتاب از سهل یاد شده است. شوارح در تبیین اقوال سهل، مبسوطاً سخن می گوید و سعی به توجیه مشکلات سهل دارد و نوعاً به آیات قرآن استشهاد می جوید و دفاع سختی از آراء سهل دارد.

در باب دوم کتاب به شاگردی سهل نزد ذوالنون، تصریح می کند و نیز گوید: روزی که شروع به تدریس ارشاد مریدان کرد، خبر از مرگ ذوالنون در مصر داد و یاران تاریخ آن روز را نوشتند و بعدها صدق اخبار سهل روشن شد. شارح، این اخبار سهل را از مقوله فراست می داند نه غیب گویی (ص ۲۱۵).

مطلب دیگر اینکه عبارت معروف سهل در دعا جهت یعقوب لیث که در اغلب منابع از جمله حلیة الاولیاء (۱۰/ ۲۱۰) بدین گونه آمده است: «اللهم أریته ذل المعصیة فأره عزّ الطاعة» در این کتاب چنین آمده: «اللهم قدرایته ذل معصیته فأره عزّ طاعتی». چنانکه ملاحظه می فرمائید لطف نقل دوم بر مدقق پوشیده نیست. در داستان مربوط به جنازه سهل بر تخت غسل که در برخی منابع آمده، تکمله ای دارد که فقط در اینجا ذکر شده است (ص ۱۷۹۶).

۱۰- الرسالة فی علم التصوّف = الرسالة القشیریة از ابوالقاسم عبدالکریم بن هوازن قشیری (فو: ۴۶۵ه.ق.) فقیه اشعری خراسان.

وی این کتاب را به قصد ایجاد وفاق بین تصوّف و فقه اشعری خطاب به صوفیّه نگاشته است. در رساله حدود ۸۰ مورد از سخنان سهل ذکر شده و در واقع، جزء مشایخی است که بیشترین نقل قول از آنها در کتاب دیده می شود. کلیّت شرح حال سهل در این کتاب، برگرفته از طبقات سلمی است. برخی از اقوال را نیز از کتاب اللّمع سراج با نسبت به سراج نقل کرده، بخشی از اقوال و حکایات را نیز به نقل از بهجة الاسرار ابن جهضم (فو: ۴۱۴ه.ق.) آورده و علاوه بر اینها تفصیلاتی در بدایت احوال سهل و کیفیت سلوک او آورده که منبع آن نامعلوم است و در کتب صوفیانه قبل از او که در دست، هست، دیده نشده. عطار نیز در تذکرة الاولیاء تفصیلات حال سهل را از همین رساله برگرفته است؛ وی این سخنان را به نقل از محمد بن الحسین آورده. قشیری از این دسته اصحاب سهل، نقل قول می کند:

۱- ابوالحسن علی محمد المزمین (فو: ۳۲۸ه.ق.) ۲- ابومحمد احمد بن محمد بن حسن جریری (فو: ۳۱۱ه.ق.) ۳- عمرو بن سنان ۴- ابن سروق. و حکایتی در باب شکایت مرید از سرقت اموال خانه اش نقل می کند که در دیگر منابع دیده نشد. شایان ذکر اینکه گذشت؛ کلاباذی در التّعرف سخن معروف امیرالمؤمنین (ع) «لو کشف الغطاء» را به سهل نسبت داده. قشیری به شیوه ای این کلام را از سهل، نقل می کند که روشن می شود سهل بر سبیل استشهاد، این سخن را گفته، اینک عبارت قشیری: «و سهل گوید ابتداء یقین مکاشفه بود و از بهر این گفته اند بزرگان: «لو کشف الغطاء ما ازدددت یقیناً»». داستانی از سهل، حاکی از اخبار سهل از مرگ شاه بن شجاع کرمانی گزارش شده که شبیه اخبار سهل از مرگ ذوالنون مصری است. حکایتی نیز در باب روز وفات سهل و فرود آمدن آسمانیان و تبرک جستن به جنازه سهل از کتاب بهجة الاسرار ابن جهضم نقل شده که در دیگر منابع دیده نشده است.

حکایات دیگری نیز در کتاب هست که شفاهاً به نقل از اصحاب سهل آورده؛ حکایت مردن نانوای اعمی در بصره در متن عربی و ترجمه رساله که مرحوم استاد فروزانفر (ص ۵۸۸) چاپ کرده‌اند تفاوت‌هایی دارد.

### ۱۱- کشف‌المحجوب، اثر ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری (فو: ۴۶۹ه.ق.)

مؤلف در اواخر عمر خویش کشف‌المحجوب را به پایان می‌رساند و مقصود وی از تألیف این کتاب شرح و تبیین عقاید عرفا بوده و نظری به جزئیات شرح حال صوفیان ندارد. وی مطالب خود را غالباً براساس شفاهیات صوفیانه رسم کرده؛ او همچنین از برخی منابع همچون اللّمع سراج تأثیر پذیرفته است. به علاوه آثاری چون تصانیف سلمی و قشیری برای جلابی شناخته شده است. ظاهراً کشف‌المحجوب، اولین منبعی است که عقاید صوفیانه را در قالب مکاتب مشخص بررسی کرده است و مشخص کرده که تعالیم هر عارف به تشکیل کدام نحله منتهی شده است. یکی از ۱۲ مطلبی که جلابی بر شمرده، مکتب سهلیّه است که مریدان سهل، آن را پایه‌گذاری کرده‌اند و شاید مراد وی همان سالمیه باشد.

### ۱۲- مصارع‌العشاق از ابوبکر جعفر بن احمد سراج (۵۰۰-۴۱۷ه.ق.)

وی مصنفی دقیق است و نقل اقوال او در غایت دقت؛ او اسناد روایات را با وسواس زیاد بیان کرده است. روایات و احادیث کتاب، مشتمل است بر روایات جاهلی و اسلامی اموی و عباسی که در باب عشق و عشاق نقل شده است. کتاب، مشتمل بر ۲۲ جزء است که هر جزء با اشعاری عاشقانه و غزل‌وار شروع می‌شود. وی برخی از اقوال سهل و حکایات مربوط به وی را در کتاب آورده است. از جمله این حکایات، داستان مکالمه خرس و سهل است که خود، مشتمل بر کرامتی از

سهل است (ج ۱، ص ۱۹۷). سراج این حکایت را به نقل از ابوالقاسم بن عبدالعزیز خیاط و او از ابن جهضم (فوت: ۴۱۴ ه.ق.) و او از ابن سالم نقل کرده است و ظاهراً این داستان از جمله حکایات غریبی باشد که ابن جهضم در بهجة الاسرار آورده و ابن حجر عسقلانی به خاطر آنها مؤلف را ملامت کرده و متهم به دروغگویی. مؤلف به نقل از ابن جهضم گوید که این اول کرامت و عجبیه‌ای بود که در زندگی مشاهده کردم. دیگر کلام قابل توجه، قول سهل در باب اصناف مردم است که مؤلف نیز آن را به واسطه از ابن جهضم نقل می‌کند و بایستی از منقولات بهجة الاسرار باشد (ج ۱، ص ۲۷۱).

برخی از اقوال سهل با اسناد مختلف به صورت مکرر نقل شده که حداقل فایده آن دست یابی به نام‌های بیشتری از اصحاب سهل است که البته این، خود، نشانگر این است که مؤلف، فرصت تهذیب و ویراستاری کتاب خود را نیافته است.

### ۱۳- احياء علوم الدين از ابو حامد محمد بن محمد غزالی (فوت: ۵۰۵ ه.ق.)

حدود ۶۰ بار در احياء علوم الدين از سهل و اقوال وی یاد شده که اغلب از قوت القلوب مکی اخذ شده، برخی از آنها نیز مأخوذ از رساله قشیریّه، حلیة الاولیاء و تهذیب الاسرار خرگوشی است. وی از میان سخنان سهل به آن دسته از سخنان که به تصفیة باطن و دقایق احوال قلب و عجائب آن متعلق است، اعتنای خاصی دارد و در کتاب «آفة شهوة البطن والفرج» بر نظر سهل در فوائد گرسنگی تأکید دارد. وی همچنین سهل را از وعظ سه گانه بصره می‌شمرد که از میان ۱۲۰ واعظ بصره مختصاً در علم الیقین و احوال و اوصاف باطن، سخن می‌گفته و مستمعین انگشت شمار داشته است. غزالی به اقوال تفسیری سهل نیز توجه خاصی دارد. عین القضاة همدانی (فوت: ۵۲۵ ه.ق.) در تصانیف خویش به سهل توجه دارد. وی در زبدة الحقائق فصل ۷۳ که مبحث قدر را جزء طور و راء عقل می‌داند، در پایان

بحث، کلام دقیق سهل را شاهد بر استدلال و استنتاج منطقی خود می‌گیرد که: «الكلام فی القدر عندالمخالف بدعة»؛ این تنها موردی است که در این کتاب از سهل، یاد شده (عين القضاة، زبدة الحقائق، ص ۹۴). همچنین در تمهیدات مجموعاً پنج بار از سهل و کلام او یاد کرده و در پایان مباحث خویش بدانها استشهاد جسته، مثلاً در صفحه ۸۳ کلامی از سهل نقل کرده از مقوله تعبیرات حروفیان و اخذ معانی عرفانی از اشکال حروف و گویا از رساله الحروف سهل، اخذ شده باشد. برخی از اقوال تفسیری سهل را نقل کرده. او به نظریه سهل در باب لزوم ولی بعد از پیامبر و نیز نظر او در باب نور محمدی اعتنا دارد و بدان تکیه می‌کند (عين القضاة، تمهیدات، صص ۸۳، ۴۷، ۲۴۷). در شکوی الغریب نیز به مناسبت ذکر سالمیه و ابن سالم از سهل یاد می‌کند و بار دیگر او را در ردیف اکابر عرفا نام برده و بر محنت کشیدن وی تأکید دارد. و ظاهراً مقصودش کوچ وی از تستر به بصره است. وی در این اثر مجموعاً سه بار از سهل یاد کرده است.

۱۴- کشف الاسرار و عده الابرار از رشیدالدین ابوالفضل میبدی (ف: ۵۳۰ه.ق.) مجموعاً در تفسیر کشف الاسرار حدود ۲۴ مورد از اقوال سهل نقل شده، بخشی از اقوال وی در نوبه ثانیه و اغلب آنها در نوبه ثالثه آمده است. بیشتر اقوالی که در کشف الاسرار آمده عیناً با نقل مضمون در کتاب اللمع سراج و قوت القلوب مکی و حلیه الاولیاء آمده است. به خلاف توقع، هیچ نقل قولی از تفسیر سهل در کشف الاسرار دیده نمی‌شود.

#### ۱۵- تلبیس ابلیس از ابوالفرج ابن الجوزی (ف: ۵۹۷ه.ق.)

سهل در این کتاب از جمله کسانی است که در نقد مسالک صوفیه، نوک تیز حمله متوجه او است. مؤلف از منابع متقدم صوفیه مانند: رساله قشیریّه، طبقات الصوفیه، سنن الصوفیه سلمی و بهجة الاسرار ابن جهضم و حلیه الاولیاء ابونعیم

اقوالی از سهل نقل کرده که ضمن تاختن به مؤلفان آن کتب به سبب استناد به اقوال و کردار سهل به نقل و ردّ کلام وی می‌پردازد:

وی به خلاف قول مشهور منابع صوفیه که علت خروج سهل از تستر را اظهار نظرش درباره «وجوب توبه» در هر نفس دانسته‌اند، به نقل از سلمی گوید: سهل را بدین سبب از شوشتر راندند که ادعا کرد ملائکه و اجنه و شیاطین در مجلسش حاضر می‌شوند و با وی گفتگو دارند. همین سخن بر عوام، گران آمده و موجب شد تهمت‌ها بر او بندند و او را از آن دیار برانند. ری همچنین روزه‌گشادن سهل به کاه را نکوهش می‌کند و خلاف سنت نبوی می‌داند. از جمله مسائل دیگر که قابل توجه است به نقل از ابن جهضم که ظاهراً منقول از بهجة الاسرار اوست، مذاکره و محاجّه ابو عبدالله زبیری با سهل را بر سر ادعای «حجّة اللّهی» سهل نقل می‌کند، سپس در صفحه بعد به نقل از کلام سهل پرداخته و آن را مخالف قواعد شرع می‌داند و در قسم تلبیسات ابلیس در تفاسیر صوفیه، برخی از اقوال تفسیری سهل را نکوهیده و تلویحاً آنها را مصداق تفسیر به رأی می‌داند؛ تفسیری که هیچ قرینه و شاهی در نصوص شرعی ندارد و فقط ذوقی است، شبیه ذائقه شعرا. شگفت‌تر از همه اینکه جمله دقیق سهل در باب توکل و اکتساب را - که به نوعی جمع بین هر دو مقوله است - حمل بر نادانی و قلت دانش سهل می‌کند.

۱۶- اسرار التوحید از محمد بن میهنی (ف: ۶۰۰ ه.ق.).

مؤلف فقط دو بار به نقل از ابوسعید از سهل، نقل مطلب کرده: یکی در باب خرقة و دیگری در باب دعوی و جز این دو مورد، هیچ ذکر دیگری از سهل در کار نیست (صص ۲۰۱ و ۲۴۷).

۱۷- روزبهان بقلی شیرازی (ف: ۵۶۰۶ ت.).

در شرح شطحیات که به تاریخ ۵۷۰ هجری قمری تألیف کرده به برخی از

شطحیات سهل پرداخته است. در اوایل کتاب، چون محنتهای صوفیه را نقل می‌کند از جمله ممتحنین صوفیه، سهل را نام می‌برد و گوید که او را از تستر براندند که البته شاید مقصود از تعبیر راندن، اخراج یا تبعید به معنای مصطلح آن نباشد بلکه کوچیدن وی در اثر رنجش از ششتریان را در نظر داشته؛ کرامتی را نیز از سهل نقل کرده.

وی سه شطح از جملات شطح‌آمیز سهل را شرح کرده؛ شطح اول مشتمل بر محاجه‌ای است که سهل با فقهای تستر بر سر اثبات حجة‌اللہی خویش بر ملائکه و حجة‌اللہی گوسفند وی بر فقها و علماء داشته و چون به خاستگاه این سخن دقت می‌شود می‌توان رمز شوریدن عوام بر سهل را - که موجب خروجش از شوشتر شد - دریافت. اثر دیگر روزبهان، مشرب الارواح است که آن را در بیان مقامات عرفا تألیف کرده و به سال ۵۷۹ هجری قمری آن را به پایان برده است. وی به بخشی از اقوال سهل، استشهدار جسته که اغلب، منقول از حلیة الاولیاء، اللمع سراج و طبقات الصوفیه سلمی است. شایان ذکر اینکه در عقب برخی از اقوال سهل، قول مناسب و مرتبطی را با عنوان «قال العارف رضی اله عنه» می‌افزاید که معلوم نگارنده نشد که مقصود از او کیست. وی برخی از مضامین اقوال سهل را مکرر آورده و به نظر سهل در باب معجزه و کرامت نیز اشاره دارد و بر نظر سهل در باب رهگشا بودن گرسنگی و امساک، تأکید دارد. اثر دیگر روزبهان، عرائس البیان فی تفسیر القرآن است که به انضمام تفسیر ابن عربی در مطبعه نوکلشور به چاپ رسیده است. روزبهان در این تفسیر، شمار قابل توجهی از اقوال تفسیر سهل را نقل کرده و بسیار از اقوال وی استشهدار می‌جوید. وی بخشی از اقوال سهل را از حقائق التفسیر سلمی اخذ کرده. قابل توجه اینکه بخشی از اقوال تفسیری که در عرائس هست، نه در حقایق سلمی یافت می‌شوند، نه در تفسیر سهل که امروزه در دست ماست.

۱۸- محیی الدین عربی (ف: ۶۳۸ه.ق.)

در الفتوحات المکیه، سخت تحت تأثیر عقیده سهل، مبتنی بر تطبیق مقامات و درجات اهل بهشت با مقامات و مراتب اهل عرفان و سلوک است به همان شیوه که در تفسیر آیه شریفه «لترکبنَّ طبقاً عن طبق» (سوره ۸۴ آیه ۱۹) آمده، درجات اولیاء را به همان شیوه تقسیم کرده و هر یک را به درجه حسیه و درجه معنویّه بخش نموده است و معتقد است از جمله کسانی که تمامی این مراحل را طی کرده و به ذروهٔ اعلای آن رسیده‌اند می‌توان به بایزید بسطامی و سهل تستری اشاره کرد (فتوحات ۲/ ۵۲). در اغلب منابع صوفیه راجع به دغدغهٔ عرفانی سهل که به دنبال پاسخ آن راهی عبّادان شد و حبیب عبّادانی پاسخ او را داد، سخن گفته‌اند ولی کسی از اصل پرسش سهل، سخن نگفته و ابن عربی - بنا به منابع موجود - ظاهراً اولین کسی است که از دغدغه سهل؛ یعنی، سجده قلب، سخن گفته و تاکنون منبع سخن او نامعلوم است و اگر از مکاشفات شخصی خود او نباشد بایستی از منبعی نقل کرده باشد که فعلاً بر ما پوشیده است و همچنین در فصوص الحکم نیز منقولات و اقتباساتی از سهل دارد از جمله در فصّ کلمه اسحاقیه و فصّ کلمه اسماعیلیه که در باب سرّ ربوبیه و امتناع بطلان آن بحث مبسوطی دارد و مصحح آن، ابوالعلاء عقیلی نیز در بخش تعلیقات، توضیحاتی دربارهٔ آن آورده. محی الدین همچنین به مسأله سجود قلب که ظاهراً اولین بار توسط سهل، مطرح شده در این کتاب، عنایت خاصی دارد.

۱۹- الجواب المستقیم عمّا سأل عنه الترمذی؛ الحکیم، محیی الدین، همچنین

در این کتاب، مطالبی راجع به سهل دارد.

وی در این رساله به پرسشهایی که حکیم ترمذی در فصل چهارم کتاب ختم الاولیاء خود تحت عنوان «المسائل الروحانية»، آنها را مطرح کرده است، پاسخ داده. عثمان یحیی در چاپ ختم الاولیاء در پاورقی فصل چهارم، پاسخ‌های ابن

عربی را از الجواب المستقیم برگزیده و در ذیل هر سؤال، گنجانده است. شیخ در این پاسخ‌ها در ۷ مورد از سهل، یاد می‌کند و او را به نهایت تجلیل می‌ستاید. در ذیل سؤال هفتم که ترمذی، سؤال خود را چنین مطرح کرده: «بأی شیء استوجبوا علی ربهم؟». در پاسخ بدان از مکالمه ابلیس و سهل یاد می‌کند که بدو گفت: «یا سهل التقیید صفتک لاصفته». در جای دیگر (ص ۲۶۹) در پاسخ «ما السجود» شاهد از سجود قلب سهل می‌آورد؛ به توجیه قول عبّادانی -ر پاسخ به سهل می‌پردازد؛ در پاسخ به سؤال اول ترمذی در باب منازل اولیاء به مناسبت، به شمارش انواع علوم می‌پردازد و گوید: هیچ کس از امم به تمام این علوم، اعم از لدنی، علم النور و علم الجمع و التفرقه دست نیافته، مگر اولیاء و از اولیاء، برخی به بخشی از این علوم، دست یافته‌اند و برخی تمام این علوم را کسب کرده‌اند و سهل و بایزید، تمام آن را کسب کرده‌اند. وی همچنین در بلغة الغواص، مکالمه سهل و ابلیس را نقل کرده است (ابن العماد، ۱ / ۱۸۴).

#### نتیجه:

سهل یکی از ارکان تصوّف اسلامی است که در ردیف جنید، شبلی و بایزید تأثیر فراوان بر عرفان داشته. وی در فاصله کمی بعد از وفات در اقصی نقاط عالم اسلامی شناخته شده بوده. در این مختصر، منابع ضروری تحقیق پیرامون سهل و چکیده آنها و نیز معرفّی شاگردان وی آمده که خود در پژوهش تاریخ عرفان و اثرگذاران در این نحله، حائز اهمّیت است.

#### منابع:

- ۱- ابن الاثیر، عزالدین، الكامل فی التاریخ، دار صادر، بیروت، ۱۳۸۵ هـ.ق.
- ۲- اللباب فی تهذیب الانساب، دار صادر، بیروت.
- ۳- ابن بطوطه، سفرنامه (رحله) ترجمه محمد علی موحد، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران،

- ۱۳۴۸ هـ.ش.
- ۴- ابن تغری بردی، النجوم الزهراء، دارالکتب، مصر، بی تا.
- ۵- \_\_\_\_\_، صفة الصفوة، تصحیح محمود فاخوری، دارالوعی بحلب، ۱۲۹۳ هـ.ق..
- ۶- \_\_\_\_\_، المنتظم، تصحیح نعیم زر زهر، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- ۷- ابن خلدون، العبر، تحقیق صلاح الدین المنجد، کویت، ۱۹۶۰ م.
- ۸- ابن خلکان، وفيات الاعیان، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مکتبه النهضة المصرية، ۱۳۶۷ هـ.ق..
- ۹- ابن العربی، محی الدین، الفتوحات المکیة، عثمانی حی، قاهره، ۱۹۸۱ م.
- ۱۰- \_\_\_\_\_، فصوص الحکم، تصحیح ابوالعاد عقیفی، الزهراء، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۱۱- ابن العماد الحنبلی، شذرات الذهب فی أخبار من ذهب، دار أحیا التراث العربی، بی تا.
- ۱۲- ابن کثیر، البداية و النهاية، مکتبه المعارف، بیروت، ۱۴۱۱ هـ.ق..
- ۱۳- ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ناشر نامعلوم، ۱۳۵۷ هـ.ق..
- ۱۴- اسماعیل بن محمد بن عبدالله مستملی، نورالمیردین و فضیحة المدعین، تصحیح محمد روشن، اساطیر، تهران، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۱۵- اقتداری، احمد، دیار شهرباران، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۳ هـ.ش.
- ۱۶- انصاری، عبدالله، طبقات الصوفیة، تصحیح محمد سرور مولائی، انتشارات توس، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۱۷- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی، اوراد الاحباب و فصوص الآداب، به کوشش ایرج افشار، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- ۱۸- بغدادی، اسماعیل پاشا، هدیه العارفين، استانبول، ۱۹۵۱ م.
- ۱۹- ترمذی، ختم الاولیاء، عثمان یحیی، المطبعة الكاثولیکية، بیروت.
- ۲۰- تستری، سهل بن عبدالله، تصحیح محمد باسل عیون السود، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ۲۱- جامی نورالدین عبدالرحمن، نفعات الانس من حضرات القدس، تصحیح محمود عابدی، اطلاعات، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- ۲۲- جزائری، سید عبدالحسین، بضاعة مزجاة، نسخه خطی شماره ۷۰ (مجموعه سرود)، کتابخانه مجلس.
- ۲۳- جزائری شوشتری، سید عبدالله، تذکره شوشتر، کتابخانه صدر (افست)، تهران، ۱۳۴۸ هـ.ش.
- ۲۴- جلالی عزیزیان، حسن، شهرستان تصوف، انتشارات حدیث، تهران، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۲۵- جنید شیرازی، شدالازار فی مزارات شیراز، تصحیح محمد قزوینی، چاپخانه مجلس، تهران، ۱۳۲۸ هـ.ش.
- ۲۶- حاجی خلیفه، کشف الظنون، تصحیح محمد شرف الدین یالتقایا، رفعت بیلگه اکلوسی، استانبول، بی تا.
- ۲۷- حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، تصحیح فردیناندوستلفند، لایپزیک، ۱۸۶۶ م.

- ۲۸- خرگوشی، عبدالملک بن محمد بن ابراهیم نیشابوری، تهذیب الأسرار، تصحیح بسام بن محمد بارود، مکتبه المثنی، بیروت، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ۲۹- خفاجی مصری، شهاب الدین احمد، نسیم الرياض، تصحیح عبدالقادر عطاء، دارالکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- ۳۰- خوانساری، محمد باقر، روضات الجنّات، اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۱ هـ ق.
- ۳۱- دانش پژوه، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه ملک (۷)، تهران.
- ۳۲- داودی، شمس الدین محمد بن علی، طبقات المفسرین (۲ جلد)، دارالمکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
- ۳۳- دشتی، علی، پرده پندار، انتشارات جاویدان، تهران، ۱۳۶۲ هـ ش.
- ۳۴- دیلمی، ابوالحسن علی بن محمد، عطف الألف المألوف، تحقیق وادیه، المعهد العلمی الفرنسي، قاهره، ۱۹۶۲ م.
- ۳۵- ذهبی، شمس الدین، تذکره الحفاظ، دائرة المعارف العثمانیه، بی تا.
- ۳۶- \_\_\_\_\_، سیر اعلام النبلاء، تحقیق شعیب الارنؤوط، بیروت، ۱۹۸۴ م.
- ۳۷- \_\_\_\_\_، العبر فی تاریخ من غیر، تحقیق فؤاد سیّد، کویت، ۱۹۸۴ م.
- ۳۸- \_\_\_\_\_، میزان الاعتدال و لسان المیزان، بتصحیح علی محمد معوض، عادل احمد، عبدالوجود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ۳۹- رازی، سیّد مرتضی داعی، تبصرة العوام، تصحیح عباس اقبال، مطبعة مجلس، ۱۳۱۳ هـ ش.
- ۴۰- رمضان ششن، فهرس مخطوطات مکتبه کوپریلی، منظمه المؤثر الاسلامی، مرکز بحارث للتاریخ و الفنون الاسلامیه، استانبول، ۱۴۰۶ هـ ق.
- ۴۱- \_\_\_\_\_، مختارات، من المخطوطات العربیه النادرة فی مکتبات ترکیا، استانبول، ۱۹۹۷ م.
- ۴۲- \_\_\_\_\_، نوادر المخطوطات فی مکتبات ترکیا، دارالکتاب - الحدید، بیروت، ۱۴۰۰ هـ ق.
- ۴۳- عین القضاة همدانی، تمهیدات، تصحیح عقیف عسیران، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱ هـ ش.
- ۴۴- \_\_\_\_\_، زبدة الحقایق، تصحیح عقیف عسیران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱ هـ ش.
- ۴۵- \_\_\_\_\_، شکوی الغریب، تصحیح عقیف عسیران، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۱ هـ ش.